

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

چهارشنبه ۰۲ جولای ۲۰۲۵

از منابع دیگر

معرفی رهبران خلق و پرچم

قسمت دوم

همانطوریکه سران حزب خلق به کشتار مردم بیگناه افغانستان ادامه میدادند در نهایت بجان همدیگر افتاده و مناسبات تره کی با شاگرد خوشگل و وفادار او بخرابی کشیده شد، تا جائیکه تره کی با موافقه کرملین تصمیم به قتل امین گرفت، اما در هنگام فیرکردن، گلوله های طرفداران تره کی به امین اصابت نکرد و امین موفق گردید که از قصر ریاست جمهوری فرار نماید. بعد از این حادثه امین بزودی به عکس العمل پرداخته و به جانداد قوماندان گارد در ارگ هدایت داد تا تکلیف تره کی را بزودی مشخص نماید.

جانداد قوماندان گارد، محل اقامت تره کی را محاصره میکند و همراه با تورن عبدالرئوف، محمد یعقوب لوی درستیز، روزی معاون سیاسی گارد و اقبال که مسئولیت اطلاعات گارد را بعهدہ داشت تره کی و خانمش را به کوتی باغچه انتقال میدهند و بعد از مدتی خانم او را از وی جدا ساخته و او را بر روی بستر خدمه خوابانده و با بالش خفه مینمایند و در همان شب وی را در قول آب چکان مدفون میسازند. نوربی بی همسر تره کی در حدود سه ماه بعد در زندان پلچرخ یعنی بتاريخ ۹ اکتوبر همان سال از مرگ شوهرش نورمحمد تره کی مطلع گردیده بود و با تعجب پرسیده بود که چرا شوروی ها شوهرم را نجات ندادند، زیرا هم سفیر و هم جنرالان وعده کرده بودند، اما هیچ کس برایش پاسخی نمیدهد (اردو و سیاست، ۲۰۵). درجریان تغییرات در کابینه و قتل تره کی که بر اساس فیصله امین و شرکایش صورت گرفته بود، سروری، وطنجار، گلاب زوی و شیرجان مزدوریار که به تره کی وفادار بودند، از وظایف شان سبکدوش گردیده و سه نفر اولی به سفارت شوروی پناهنده میشوند. سه نفر موصوف که به سفارت شوروی پناهنده گردیده بودند از ترس امین ذریعه تابوت ها از سفارت شوروی خارج ساخته شده و مستقیماً با موتر حامل تابوت ها در میدان

هوایی داخل طیاره گردیده و از طریق صوفیه به مسکو پرواز داده میشوند. این است پایان قدرت جاسوسان بیگانه که یا به طرز فجیعی با بالش خفه میشوند و یا اینکه از سرزمین خود به کمک سازمان های جاسوسی اجانب در داخل تابوت ها و بنام مرده ها فرار مینمایند.

حفیظ الله امین (تروریست جنایتکار و جاسوس چند جانبه)

حفیظ الله امین فرزند حبیب الله متولد قریه قاضی خیل پغمان بود. او در سال 1965 به عضویت حزب خلق در آمد و در مدت کوتاهی مسئولیت شاخه نظامی حزب را به کمک آموزگارش یعنی تره کی بدست گرفت و بر اساس همین موقف بود که به گفته بعضی ها طرح کودتای ثور را ریخت و داود خان را سرنگون گردانید. اما عده زیادی از مردم طرح و اجرای این کودتا را از جانب روسها دانسته و نمیتوانند باور نمایند که چند نفر خورد ظابط احساساتی و معلم بی تجربه توان آنرا داشته بوده باشند تا نظام جمهوری سردار محمد داود خان را سرنگون نمایند.

امین بعد از قتل رهبر کبیرش با شعار مصئونیت، قانونیت و عدالت بعنوان فرد شماره یک حزب امور کشور را بدست گرفت و تمام جنایات گذشته خود و اعضای دیگر احزاب خلق و پرچم را به گردن تره کی انداخت. آنتونی هی من، در صفحه 221 کتاب "افغانستان در زیر سلطه شوروی" مینویسد که حفیظ الله امین بعد از کشتن تره کی در اولین بیانیه خود گفت: " کسانی که عظمت خود را در فشار آوردن به مردم می دیدند، از بین برده شدند". بعد از کشتن تره کی سه نفر از وزرای وفادار وی به سفارت شوروی فرار نمودند. در بخش بیستم سلسله نوشته های کی جی بی در افغانستان که در سایت ماندگار به نشر رسیده است، گفته شده که "هر سه وزیر (سروری، گلاب زوی، وطنجار) که به سفارت شوروی پناه برده بودند، امین را یک جاسوس امریکا، شخص مفتن، تروریست، ماجراجو و غارتگر می خواندند."

امین طرفداران تره کی را بر طرف و سازمان آگسار را به کام تغییر نام داد و لست دوازه هزار نفری شهدای را که ظالمانه یکجا با تره کی و همدستانش بقتل رسانیده بود به دیوار های وزارت داخله و لایت کابل آویزان نمود و اعلان کرد که اسامی مذکور به دستور تره کی به قتل رسیده اند. فریاد مردم افغانستان از دیدن لست اقارب کشته شده شان به ملکوت اعلی رسید. امین در دوران قدرت خود، طاهر بدخشی و نور احمد اعتمادی را نیز بقتل رسانید.

حسن شرق در صفحه 170 کتاب کرباس پوشان برهنه پا در مورد بقدرت رسیدن حفیظ الله امین چنین مینویسد: "... به سنبله 1358 (1979) حفیظ الله امین آوانی بر اریکه قدرت تکیه میدهد که پیرامونش آکنده بخون هزاران هزار نفر از قتل عام مردم هرات و از بین بردن اهالی و ویران

نمودن ولایت کنر و ده ها نمونه دیگر آلوده بودند و بوی خون تازه ریخته شده جوانان روشنفکر و شخصیت های ملی و مذهبی از شش جهت به مشام میرسد، باز هم با چنین سابقه تلاش می ورزید تا گناه همه ستمگاری، ترور و وحشت را متوجه نور محمد تره کی نموده و خود را از شرکت در جرم او کنار کشیده باشد. " . شرق در ادامه مینویسد: " او و رهبر کبیر شان با تمام ستمکاری توده های رنج دیده مردم افغانستان را بوسیله آتش و خون در تحت یک رژیم زندان و زنجیر و ترور و وحشت - مظلوم و فقیر و دلشکسته نموده و اراده کرده بودند تا احساس مذهبی، آزادی، غرور ملی و سر فرازی و ترقی خواهی ملت افغانستان را به ذلت و پستی و اسارت بدل نمایند تا بدینوسیله رسوم بی دینی و غیر ملی بودن را در ایشان مزج و آرزو و آمال بادران پشت پرده را بر آورده نمایند تا بقدرت بی بنیاد و ایدیولوژی بی مفهوم خویش رونق همیشگی بخشند"

امین به روسها اعتماد فراوانی داشت و حتی در قطار اعضای دیگر احزاب خلق و پرچم خود را از همه روسی تر میدانست، طوریکه نبی عظیمی در کتاب "اردو و سیاست" در این باره چنین نوشته است: "وی خود را سوویتست میخواند و به هرکس بافخر و افاده میگفت: رفیق من روسی تر از شما هستم!"

گفته میشود که امین با وجود ادعای روسی تر بودن خود از دیگران از زمان تحصیلات خود در پوهنتون کولمبیا کمک های غیر مستقیم سی آی ای را نیز دریافت میکرد و نقش یک جاسوس چند جانبه را بازی میکرد. سلیک هریسن روزنامه نگار امریکائی در کتاب "حقایق پشت پرده" در مورد امین چنین نگاشته است: " در مدت چهار سالی که حفیظ الله امین در پوهنتون کولمبیا در نیویورک مصروف تحصیل بود، در سال 1963 بحیث رئیس اتحادیه محصلین افغانی در امریکا تعیین گردید، در زمان این عهده وی، روزنامه رامپارتنس نوشت که اتحادیه محصلین افغانی در امریکا بکمک پولی غیر مستقیم سی آی ای تمویل میگردد. رامپارتنس نوشت که اتحادیه محصلین افغانی از انجمن دوستان امریکائی که از طرف سی آی ای تمویل میگردد، از سال 1961 به بعد پول میگیرد. امین بعد از مراجعت به افغانستان در سال 1965 برابر به 1344 هجری شمسی در زمان صدارت مرحوم میوندوال بحیث مدیر دارالمعلمین کابل که از پوهنتون کولمبیا کمک های مالی قابل ملاحظه دریافت میکرد مقرر میشود". (تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان صفحه 193). لویی دوپری افغانستان شناس امریکائی در همین رابطه چنین میگوید: " کمک های پوهنتون کولمبیا برای عده از عمال سی آی ای بحیث پوشش استعمال میگردد". دوپری در ادامه میگوید که امین جواسیس امریکا را بخوبی میشناخت و می افزاید: " امین این پول را میگرفت و با استفاده از آن با استعداد

ترین معلمین را به حزب کمونست جذب میکرد" (تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان- صفحه 93).

روسها که بعد از قتل تره کی به دست امین سخت خشمگین گردیده بودند، پلان قتل امین را تحت نظر مارشال سکولوف آماده ساخته بودند. گفته میشود که روسها بخاطر تطبیق موفقانه تر پلان خود به امین مشوره داده بودند تا قصر تاج بیگ را بعنوان محل کار و رهایش خود انتخاب نماید. که او هم بر اساس اعتمادی که به آنها داشته آن را پذیرفته بود. امین بعد از جا بجائی در این قصر دعوت مجللی را به افتخار بازگشت دستگیر پنجشیری که بوسیله روسها به کابل آورده شده بود تا پست قبلی وی برایش داده شود ترتیب داد و همه اعضای کمیته مرکزی را نیز دعوت نمود تا در ضمن این دعوت قصر مجلل خویش را نیز برای ایشان به نمایش بگذارد. در صفحه 219 کتاب اردو و سیاست تالیف نبی عظیمی در مورد پلان قتل امین چنین آمده است: " پلان قتل امین که بوسیله جنرال پاپوتین و تابییف سفیر شوروی تحت نظر مارشال سکولوف معاون اول وزارت دفاع شوروی طراحی گردیده بود در همین قصر عملی گردید. روسها بر اساس این طرح در ابتدا او را با سوپ مسموم نموده و به تعقیب آن با یک یورش برق آسا وی را به قتل رسانیدند". این یورش چنان بسرعت انجام پذیرفت که گارد دوهزار نفری امین با وجود در اختیار داشتن تانک ها و تجهیزات کافی در اطراف و داخل قصر هیچ حرکتی را انجام داده نتوانستند. بگفته نبی عظیمی در عقب روسهای که وارد قصر شده بودند، بعضی از وزرای معزول زمان تره کی مانند گلاب زوی، وطنجار و وکیل قرار داشتند و آنها میخواستند تا به چشم و سر مشاهده نمایند که امین مرده است یا زنده؟.

جنرال کالودین آمر استخبارات کاجی بی گفته است که حین ملاقات با اندروپوف رئیس کی جی بی به گزارش تلفونی ایوانوف نماینده کی جی بی از کابل متوجه گردیده که از اقدام نظامی علیه امین گزارش میداده است. او گفته است که اندروپوف احساساتی بود و به ایوانوف چنین گفت: " به کارمل بگو بیانیہ بدهد. کارمل باید بداند که مردم منتظر تشریح حوادث اند. فوراً متنی را تهیه کنید و آنچه را که گذشته است تشریح کنید" (لعلستانی، جنگ قدرت، 1384). این است نتیجه و انتهای مزدوری و غلامی برای بیگانگان که یکی از دو نوکر خود را می کشند و برای دومی هدایت میدهند که اوضاع را چگونه تشریح نماید. با نابودی امین و پایان حکومت صد روزه اش روسها بیرک را که از او به عنوان یابوی لجام گسیخته یاد میکردند، در افغانستان به قدرت رسانیدند.

ادامه دارد...